



... کتاب ساز دنیای رمان های جدید ، قدیم ، خارجی ...

W w w . Ketabsaz . info

این کتاب در سایت کتاب ساز تهیه و منتشر شده ، و تمامی حقوق آن نزد این سایت محفوظ است.

نام اثر : به عشق جنجالی
 نویسندگان : شرور و مسیحه
 خلاصه :

منم همونم همون عاشق مجنون
 عمریه دربدر توام غریبو دلخون
 چاره نداره دلم به هوای تو اسیره
 قناری دلم طفلکی هلاکته بی زبون

در به در شدم تا کنم از عشقت فرار
 در به در شده ای تا بذاری بامن قرار
 پیمان همان است که گفتیم روز اول
 اینقدر خامم نکن و سر به سرم نذار

آهای دیونه تو که وفا نداری
 خودت سر به سرم میذاری
 آهای تو این همه پر غروری
 چرا نمیخوای اسم منو بیاری؟

دیوانه ام و از عشق خبر ندارم
 گفתי اسم تو وواس چی نیارم

من سر به سرت گذاشتم مسیح
ویشگون بگیر خوابم یا بیدارم

چرانمیشه یه روز تودوم نیاری؟
میدونم مٹ من اروم قرارنداری
آخه دلت صاف قشنگه میدونم
از تو خوابت ماه و ستاره هم بیاری

ماه و ستاره جمع کردی چه گویی
خواب دیده ای و هذیون میگویی
دلم صاف و زلال و قشنگه میدونم
در دل صاف من قرار چرا میجویی

به چه زبونی چقد بگم که تنهام
چرا واست معنی نداره حرفام
آخه ماه تو حرفام واست دلیله
چندتا ستاره بیارم توی چشمام؟

قرار اگر به تنهایی باشه منم تنهام
دلیل نمیشه که برگردم از حرفام

ستاره در چشمان تو دلیل نیست

تا که شوم من از حرفای تو خام

واسه ضمانت عشقم شیرینو لیلی رو بیارم

واسه دوست نداشتن تو چه دلیلی رو بیارم

کل دنیا رو بیارم واسه چشمای قشنگت کمه

آخه اشکای من کمه؟ نگو که یه سیلی رو بیارم

من از عشق لیلی و مجنون نخواهم ضمانت

هر چند که هست آنها را درین جهان عنایت

مجنون اگه ضامن بود باید لیلی نگو میداشت

نه اینکه عشق مابین آنها نابود شود در نهایت

دلم داره می لرزه عین بیده

آخه هیشکی عین توروندیده

نازنین قناری خیلی تنهاست

نگونگو که دلت از من بریده

وای نگو که دین و ایمونم بریدی

دل منم تپید مگه خودت ندیدی

چجوری تیر به هدف زدی دلارا

با این سخن محبت منو خریدی

آهای آهای اطلسی

توچقد با احساسی

چرا گفتن وفانداری ؟

اینجامیمرم از بیکسی؟

اطلس اصلا صفا نداره

اینجا هیچگاه وفا نداره

گر بخواهی عشق من

باید باشی فوق العاده

مگه خودت نمیدونی چقده نازم

واسه لالایی شبات قصه میسازم

کل دنیاروبگردی مٹ من مگه هست

من فقط باعشق توبه خودم مینازم

سخت کردی مسیرم رو با روایات

آخ چی بگم من در جواب چشمت

اینکه مثل تو پیدا نمیشه تو دنیا
من میدونم غلو کردی تو حرفات

خیلی بی انصافی اینو همه میگفتن
آخه راجب من بهت چی همه میگفتن
عاشق دست خودش نیست حرفاش
بگوچقد از عشقم بهت همه میگفتن

بی انصافم اینو خودم میدونم
سعی میکنم همینجوری بمونم
راجع به عشق تو شنیدم خیلی
بوقتش برات لا لایم میخونم

تودلت که عین شاپر که
چشمای قشنگم پراشکه
بهم نگو که بی انصافی
خبر اومدنت باقاصد که

میدونم که برام ساخته ای الان دامی
ریخته ای در آن سم و از خوبیها دانی

اگر دلم رحم آید و بگویم حرف دلت
ممکن است ریزد خونم و نماند جانی

میدونم دیگه دلت بادل من را نمیاد
دلت رحمه میدونم به بدی را نمیاد
گلای ناز باغچمون وانشده میمرن
آخه بعد تو هیشکی بادلتنگی رانمیاد

گفتی حرف دلت بشنو تو جوابم را
انگار شناسی میدانی رگ خوابم را
جوابی میدی که اتیش به دلم میزنه
انکار خواهی بدست آری اه و تابم را

کسی که بی قراره دست خودش نیست
این بازی آخره کاره دست خودش نیست
این آتیش بازی سرنوشته که دلم سوزنده
اگه رگ خوابی بود دست خودش نیست

بی قرار می دونم ، بی قرارم کردی
حرفی زدی و ناخواسته بدارم کردی

زندگی سخته میدونم اونم بتنهایی
دل دادی و دل بردی ماندگارم کردی

کاش یه آسمون ستاره بود تو ی نگات
کاش یه نم ابر نمیه پاره بود توچشمات
من که نمیگم توبدی توخیلی خیلی ماهی
اما حس میکنم چرا همش دروغه حرفات

حق داری باور نکنی حرفای امروزم را
چونکه دوری نمیدونی حال و روزم را
کباب شده این دلم بس که آتیشش زدند

گذر کن و ببخش این دل کینه توزم را

آهای توکه دلت پرکینست

منم یه قلبه توی سینست

آخه تواون دوراپیش گلا یی

اینجامرگ منه به هرثانیست

یه رابطه تنهایی سخته اصلا همیشه

مقصر منم و این که بی دلیل همیشه

شاید تو هم کرده ای کارهایی عزیزم

که اینجوری بد بشه رابطمون همیشه

اخه تو چرا منو همیشه محکوم میکنی

این جوری باز خودتو مظلوم میکنی

باشه من بدم من که حرف بدی نزدم

چرا با حرفات عشقمو مسموم میکنی

بازم حرف حرف خودته؟ حلالم نکردی؟

قبول نداری عشقم و مراعات حالم نکردی

خیالی نیست سر میزارم به کوه و صحرا

آروم همیشه دلت میفهمم تا چالم نکردی

حالات کنم؟ میبخشمت میخوام دعوات کنم

جات چشمای منه نمیای از ته دل نگات کنم؟

جای تو بهاره لابه لای گلاست، دشت شقایق

آهای بارون دلم حالا کویره چقد صدات کنم؟

کویر شده دلت غم مخور باز گلستان میشه

میخندی و با خنده هات گلها نمایان میشه

نامردی کرده و حال حلاطیت خواسته ام
بخش یارتو با بخشش زندگی آسان میشه

آخه کدوم کویر شنیدی مهمونش بهاره
آره اونم شباش قشنگه هزارتا ستاره داره
اما تو رو کم داره یه ماه، قرص ماه کامل
واست بخندم؟ کمه جون میدم با اشاره

کویری که گلستان بوده قبلا بارونش رفته اما
گلها درسته خشکیده اما ریشه ها مونده بجا
یه بارون میخواد بباره و یکمی آفتاب بتابه
گلها بیدار شده و کویر گلستان میشه حالا

همون اولم کویر بودم گل گلستونم خودت بودی
شام تاریکه سرده ماه شبستونم خودت بودی
چقد سرده غروب رفتنت میشه که آفتاب بتابه؟
فرهادمنی، معمار تندیس بیستونم خودت بودی

فرهاد از عشق شیرین کوه را کند دانی چرا؟
خواست بگوید به شیرین بالاتر از جانی مرا

در راه عشق تو کویر سهل است و کوه می‌کنم
گر رضا ندهد دلت ، دلا دل میکنم قربانی تورا

تو با این حرفات مجنون حیرون میکنی
من که به کنارچرا فرهادو پریشون میکنی ؟
دلتو نخواستم قربونی منو چشای من بشه
کبوترای دلمواز خواستنت پشیمون میکنی؟

چطوری دلت میاد حرف از پشیمونی بزنی
حالم و نادیده گیری و دم از دوستی بزنی
من برگشته ام و میخوام جبران کنم مسیح
نا امیدم نکن و به حرفام بده ارزش ارزنی

تو فک میکنی دارم ناز میکنم ؟
اینبار چشمو خوب باز میکنم
لحنت مٹ یه گیتار خستتست
اینبار کوک دلم رو ناساز میکنم

خسته ام خسته تر از ساز گیتارم
برگشته ام و امید بخشش دارم

گر نبخشی مرا و آرامم نکنی تو

میروم و سر به بیابان می زارم

تو به عمره داری جامیزنی

واسه عشقت درجا میزنی

کلی حرفه دارم توی شعرام

همه رو رد میکنی، جامیزنی؟

انکار هر چی بگم من فایده نداره

دلت سنگ شده ازم خیلی بیزاره

خود کرده رو تدبیر نیست میدونم

خودم کردم که شدم آخر بیچاره

کی میگه دلم ازت بیزاره

طفلی دلم پیشت گرفتاره

آره خودت نخواستی منو

اون نمیخوادت حالت زاره؟

چیکار به کار اون داری تو

بیا و بعنت بکن دوباره نو

حرف از حال زار نزن دگر

خاطرات گذشته را نکن رو

من دیگه غرق نگاهت نمیشم

دیگه شبا هم دم خیالت نمیشم

اون نبود؟ پس کی توروازم گرفت

هر کاری کنی من گرفتارت نمیشم

حرف آخر رو زدی و تموم شد رابطه ها

میدونم خسته بودی تو ازین فاصله ها

میروم همانطور که گفته بودم از اینجا

تو بمون و گذشته و تفکر به خاطره ها

داری میری یکی یه دونه خدا به همراهت

منواین ستاره هاشکامون بدرقه ی راحت

داری میری دلمو رو پس میخوامش هلاکم

میری تنها، امامنوگلای خونه چشم به راحت

چه حسرتی داره بدون تو این روزها

کاش میدونستم قدر تورو اون وقتا

گذشته گذشته و دیگه بر نمیگرده

پشیمونم از کاری که کرده ام مسیحا

پشیمونی اما آخه سودی نداره

دلم سوخته ولی دودی نداره

برو نگو یکی اینجادره میمیره

اشکه اما رودی نداره

پر

چشاش

رفتم و من را دگر با تو نیست کاری

دیگه فایده نداره حتی گریه و زاری

مواظب خودت باش نشوی دوباره

خام یکی که نداره عرضه زن داری

خام کی بشم چشمای تو حریف نداره

حال منو قناریا این روزا تعریف نداره

میخوام برم باحس تن پوش از خیالت

سرانگشتات حس نوازش ظریف نداره

امروز دلم گرفته ندانم از بیکسی یا تنهائی
 آسمان آبی ابری گشته و دل من اما سیاهیه
 گفتم ، دگر بار نخواهم ازت بمانی یا بروی
 بروی عزیزتری که بودن بامن آخرش تباهیه

مرگ عاشقانه های من بی تو حتمیه
 مرگ کبوترا قناریای من بی تو حتمیه
 هیشکی تنهائیس خدارو، مٹ تودارن
 مرگ هر لحظه خوشیای من بی تو حتمیه

از خوشی گفتمی آنچه که من ده ساله ندارم
 گذشت عمر من و پیر شده دل دیوانه وارم
 نگو بر من از گذشت لحظه های خوشی نگو
 که من خود لحظه های گذشته رو نمیشمارم

منم هیشکی خبراز دل تنگم نداره
 دلی که اون داره حتی سنگم نداره
 تو هم عین منی مٹ قنارای قفسم
 ازبدی بگم؟ جرات لحن گنگم نداره

 سنگ دل نگو شاید دلش ز سنگ نیست

شاید آمده کاری پیش پایش لنگ نیست
گفتن این حرف بر کسی که خود ندارد
راه دفاع کردن ، کمتر از زدن انگ نیست
میخوام برم از اینجانگو وفا نداشت
این قفس واسه منو قناریا جانداشت
دلم تنگ میشه واسه لحن لبخندات
تپش قلبمون شنیدی؟ نگوصدا نداشت

جا بود بر تو اما من رفتنی تر هستم
شیشه نمیشکنم و شکستی تر هستم
شکست آنچه باید نمیشکست جانانم
باید بروم ، هر چند انجمنی تر هستم

من از تو محکم ترم مٹ سنگای دلت
من از تو قوی ترم مٹ صخرهای دلت
اما من الان یه تندیسم از گذشته ها
که شدم مٹ خاطره تو ویترنای دلت

سنگ نبود دلم موقع آمدن ، دانی چرا؟
عاشق بودی و از دل میپرستیدی مرا

سنگ شد دلم و از یادت بیرونم امروز
چونکه دیگه آن یار سابق نیستم تورا

میخوای بگی همش تقصیر منه دوست دارم؟
حتی اگه نگي دلت باز درگیر منه دوست دارم
امروز میخوای بری جونم برو راحتی خیالت
اگه مردن باز هر لحظه تقصیر منه دوست دارم

میخوای بگی همش تقصیر منه دوست دارم؟
حتی اگه نگي دلت باز درگیر منه دوست دارم
امروز میخوای بری جونم برو راحتی خیالت
اگه مردن باز هر لحظه تقصیر منه دوست دارم

تقصیر تو نیست تقصیر منه که دلم سنگه
برای خاطره ها و روزای گذشتمون تنگه
میدونم تو دل تو دیگه جایی برامن نیست
برگشتن به دل بی محبت برا یه مرد ننگه

یعنی تنگه دلت واسه خاطرهامون؟

واسه گذشتمون واسه ترانه هامون

تو خود خود منی میشه روزی نباشی؟

توبری میشه کسی بیاد تو تنهایامون ؟

دلتنگیا گذشت و شد خاطره ، برامون

اختلاف زیاد شد ، تنش زیاده بینمون

هر چی بگی بهانه دارم و هرچی بگم

بهانه داری ، بهانه کشی شده کارمون

برگرد فرصت بده بهم بذار که عاشق بمونم

غرقه دلم بادریای دلت بذار تو قایق بمونم

کویره لحن رفتنت خشکه گلای باغچمون

داغ رو دلم نذار ، بذار که مثل سابق بمونم

میخوای کنی منت کشی یا سر به سرم میزاری

نکنه یه وقت پیام ، دلگیر بشی پشت درم بزاری

دل من شکسته طاقت بند زدن دوباره را نداره

وقتی میام که پشیمون بشی سنگ تمام بزاری

تو رو کم دارم تو لحظه هام نفسم میگیره

بمونه قناری قفس دلم چشم انتظار بمیره

فرصتی نیس بگی پشیمونی سودی نداره؟

بین اشکه چشم مسیح بیتوداره میمیره

بوقت زنده بودن قناری ها کاری نکردی

بوقت مردن من خندیدی ، زاری نکردی

اومدم حال خوشت را دیدم بدون من

گفتم پشیمونم اما تو آبروداری نکردی

من حس و حالم همون حال قناری بی جفته

تو اوج پرواز از چشمات با سقوط تلخ میفته

حال خوشم دلیلش مس.ت لحظه های خیال تو

یادته؟ هر کاری کردم که عشقم از چشات نیفته

*

یادت بیار لحظه های باهم بودنمون را

لحظه های خوش و خرم بودنمون را

خراب کردی همه را چون غرور داشتی

یادم نمیره شبهای بی غم بودنمون را

اما من هنوزم هم اونجور میمونم یه عاشق دیونه *

هنوزم همون جور میمونی یه فرهاد که مجنونه ؟

من به این حس عجیب که خیلی ساله دامنگیرمه

وابستم؟ میدونی چقد دلم میخواد دلت عاشق بمونه

نه من همونم نه تو ، اینو خودت خوب میدونی

نه تو عاشقی و نه من معشوق باید اینو بدونی

یادمون رفته هر دو آن روزهای عشق و عاشقی

آبمون تو یه جوب نمیره من میرم و تو میمونی

تو میری و من تنها میمونم

با زخماو دردای بی درمونم

اما باشه میگم خدا حافظ

توییوفامن یه عاشق دیونم

رسم مردانگی الان در رفتن است میروم

دلی که آزار داده دل تو را سخت ، میبرم

میروم و چشم براهم منتظر نمان هرگز

شرورم و آنچه هست شور بخت میخرم

رسم مردانگیت را پر سوال میکنم که میروی ؟

نگودلش شکسته،تورایخیال میکنم که میروی

مرازبان عامیانه ام مفهومی نداشت از برایت

برومگردلم راپر از وهم آمال میکنم که میروی ؟

هنوز عشقتو دارم توی سینه ولی برو خدا نگه دار
نگاه گرمت واسه من دنیامه برو یادمو بیصدانگه دار
از دلت میخوام دلم بکنم این مرگه منو لحظه هامه
نگو بیوفام این دوست داشتن محضه، اما خدانگه دار

خدا حافظ گر هرچه میانمان بود و نبود
گر هزار ستاره در آسمانمان بود و نبود
وهم روشنایی خورشید را خواهم چکار
مگر چشمانت روشنمایمان بود و نبود ؟

به پایان میبرم این قطعه شعر جنجالی
طرفی نبستم و دستم شد خالی خالی
هرچه گفتم جواب دادی جوابی محکم
شور را درین کل کل نبود هرگز مجالی

فقط شعر است قصه عشقیت خیالی
بدور از هر گونه کینه و کل کل و جنجالی
مسیح هم کم می آورد در اندوه جوابی

باشد خدا نگهدار ماواین عشق محالی

فقط شعر است قصه عشقسیت خیالی

بدور از هر گونه کینه وکل کل وجنجالی

مسیح هم کم می آورد در اندوه جوابی

باشد خدا نگهدار ماواین عشق محالی

آیدی اینستاگرام : ketabsaz_info

ایمیل : Tanhamojtaba1@gmail.com

انجمن سایت : Forum. Ketabsaz.info

آدرس سایت : ketabsaz.info

آیدی مدیریت در انجمن : Admin